

نظریه‌های بهره‌برداری از منابع طبیعی

رحمت الله اخلاقی^۱

چکیده

منابع طبیعی یکی از نعمت‌های خدادادی است که استفاده شایسته از آن‌ها باعث رشد اقتصادی و پیشرفت کشورها شده، در مقابل، استفاده نادرست، پیامدهای ناگواری را به دنبال داشته، آفتی برای اصل رشد و توسعه اقتصاد شمرده می‌شود. بهره‌برداری از منابع طبیعی در کشورهای گوناگون و در طول سالیان متمادی شیوه‌های گوناگونی را تجربه کرده است. این شیوه‌ها که با نوع مالکیت آن منابع مرتبط هستند به خصوصی، دولتی، گروهی خصوصی و دسترس آزاد تقسیم می‌شوند. هر یک از این شیوه‌ها نقاط قوت و ضعفی دارند. در نظام حقوقی اسلام، با توجه به نگاه خاص به دولت و ترسیم دولتی قدرتمند بر اساس حکومت ولایی تحت سرپرستی پیامبر و امام مالکیت اولیه بخش قابل‌توجهی از منابع طبیعی، تحت مالکیت دولت یا تحت نظارت او قرار داده شده است؛ باوجوداین، نهادها و راهکارهای گوناگونی در این نظام برای استفاده بخش خصوصی از منابع قرار داده شده است.

حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری اصولی و بهینه از منابع طبیعی پایه همچون جنگل‌ها، مراتع، بیشه‌های طبیعی، اراضی ساحلی و حفاظت از آب‌وخاک کشور در راستای توسعه پایدار امری ضروری است. توسعه زمانی پایدار خوانده می‌شود که مخرب نباشد و امکان حفظ منابع به شمول منابع زیرزمینی، معادن، آب، خاک، منابع ژنتیکی، گیاهی و جانوری را برای آیندگان فراهم کند. در توسعه پایدار، اصل این است که منابع طبیعی به گونه‌ای محافظت شوند که نسل‌های آینده دست‌کم بتوانند به اندازه نسل کنونی از آن بهره‌مند شوند. در این مقاله ضمن تعریف منابع طبیعی و توسعه پایدار، به بیان دیدگاه‌های مختلف در خصوص توسعه پایدار و نیز اهمیت و ضرورت حفاظت از منابع طبیعی در راستای توسعه پایدار پرداخته می‌شود.

کلیدواژه: بهره‌برداری، منابع طبیعی، نظریه‌های بهره‌برداری از منابع طبیعی، انواع مالکیت.

۱. دانش‌پژوه دکتری علوم اقتصادی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه. rakhlaqi@yhoo.com

مقدمه

پیشرفت، رشد و تحوّل هر کشور و جامعه‌ای، درگرو داشتن دانش و فناوری و استفاده بهینه و مطلوب از امکانات و ظرفیت‌هاست. در این راستا، بهره‌گیری از منابع و استعدادهای طبیعی و انسانی، امری بایسته و ضروری به نظر می‌آید. بهره‌وری را می‌توان به استفاده مطلوب از امکانات، سرمایه‌ها، نیروها، منابع و فرصت‌ها در تولید کالا و علم و عرضه خدمات» تعریف کرد. در چنین حالتی، بهره‌وری می‌تواند بیشترین استفاده از کمترین امکانات و منابع مادی (فناوری، مدیریت، نیروی انسانی و منابع طبیعی) و معنوی (ارزش‌ها، رفتارها و هنجارهای اجتماعی) درراه رسیدن به رشد و شکوفایی همه‌جانبه زندگی انسان باشد.

منابع طبیعی یکی از نعمت‌های خدادادی است که استفاده شایسته از آن‌ها باعث رشد اقتصادی و پیشرفت کشورها شده، در مقابل، استفاده نادرست، پیامدهای ناگواری را به دنبال داشته، آفتی برای اصل رشد و توسعه اقتصاد شمرده می‌شود. به لحاظ اهمیتی که این مسئله در دنیا و به دنبال آن در انسان‌ها دارد ادیان الهی و به‌ویژه ادیان جامع وادیانی که داعیه اداره جامعه را دارند، موضع خود را درباره مالکیت منابع طبیعی بیان کرده‌اند.

منابع طبیعی ثروت‌های خدادادی است که بشر در ایجاد آن‌ها دخالتی نداشته است و خداوند آن‌ها را به‌منظور استفاده سبز در دامن مهربان طبیعت قرار داده است. انسان می‌تواند با روش‌های مدیریتی حساب‌شده به مدت‌زمان بهره‌برداری از آن‌ها را افزایش داده و یا موجبات تجدید برخی از این منابع را فراهم آورد. این در حالی است که بی‌توجهی به این ثروت‌های خدادادی و استفاده بی‌رویه از آن‌ها، علاوه بر این‌که سبب محرومیت نسل‌های آینده و حتی نسل فعلی از منافع این منابع می‌شود، تأثیرات سوئی در تخریب محیط‌زیست خواهد داشت. فرضیه نویسنده این است که بهره‌برداری از منابع طبیعی در نظام اقتصادی اسلام با توسعه پایدار و عناصر اساسی آن یعنی حفظ محیط‌زیست و عدالت سازگاری دارد.

مفهوم شناسی

اقتصاد منابع طبیعی یا (Natural resource economics) به عرضه، تقاضا و تخصیص منابع طبیعی زمین می‌پردازد. یکی از اهداف اصلی اقتصاد منابع طبیعی، رسیدن به درک بهتر از نقش منابع طبیعی در اقتصاد است تا بتوانیم از این طریق، در مدیریت این منابع به روش‌هایی پایدارتر دست‌یابیم و از بقای آن‌ها برای نسل‌های بعدی اطمینان حاصل کنیم. اقتصاددانان در این شاخه از علم اقتصاد، اثرات متقابل میان سیستم‌های اقتصادی و طبیعی را باهدف دستیابی به یک اقتصاد پایدار و کارآمد، مطالعه می‌کنند.

اقتصاد منابع طبیعی که هدف آن نشان دادن ارتباط و وابستگی میان فعالیت‌های اقتصادی انسان و اکوسیستم‌های طبیعی است، بخشی از عوامل تولید است، که همراه کار و سرمایه در تولید کالاها و خدمات به‌کاررفته می‌شود. و به‌طور مختصر این منابع را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

(الف) زمین وهرآنچه که در آن است شامل؛ زمین، معدن، جنگل، مراتع، حیات‌وحش و...

(ب) آب وهرآنچه در آن است، شامل آب و شیلات و...

(ج) هوا وهرآنچه که در آن است، شامل اکسیژن، مواد و مخلوط در هوا حتی پرندگان(امیرنژاد، ۱۳۸۶، ۶).

امروزه توجه دانشگاهی و سیاست‌گذاری، فراتر از بهره‌برداری بهینه‌ی منابع سه‌گانه (ماهی، جنگل، مواد طبیعی) است و

مدیریت دیگر منابع طبیعی هم حائز اهمیت است. به عنوان مثال، منظره‌های طبیعی و استفاده‌ی تفریحاتی از آنان نیز جزو منابع طبیعی به حساب می‌آیند. وجود چنین مناظری حتی در محاسبه‌ی سطح رفاه اجتماعی نیز می‌تواند وارد شود.

مقصود از بهره‌برداری، هرگونه استفاده از منابع طبیعی است، که خداوند برای انسان‌ها ارزانی نموده، و بهره‌برداری از منابع طبیعی شامل کشاورزی، زراعت، حفاری، اکتشافات، ساختمان‌سازی و عملیات استخراج می‌شود. و انسان‌ها از نخستین روزهای آشنایی با محیط پیرامون خود روش بهره‌برداری از منابع طبیعی را شناخته، و آن را به کمک نیروی کار و سرمایه تغییر شکل داده است، و به کالای مصرفی تبدیل کرده است (دیزجی، ۱۳۸۳، ۱). درکل بهره‌برداری از منابع طبیعی را می‌توان از جهات مختلف از جمله روش‌های فنی، اقتصادی، مدیریتی و با توجه به آثار سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی، جغرافیایی در سطح کشور، منطقه و بین‌المللی تقسیم کرد (فراهانی فرد، ۱۳۸۹، ۳۵).

نظریه‌ها

بهره‌برداری از منابع طبیعی یک چالش بسیار مهم برای دولت‌ها و نهادهای ملی است، از این منابع اغلب درآمدی را برای دولت ایجاد کرده، اگر خوب عمل نکنند موجب تشویق فعالیت‌های رانت جویانه خواهد شد، تعادل اقتصاد کلان به هم خواهد خورد طبق مطالعات انجام شده اگر نیروی انسانی همراه با دانش باشد، برای بهره‌برداری از منابع طبیعی موفق‌تر خواهد بود، اگر این نهاد ضعیف عمل کنند، بهره‌برداری از منابع می‌تواند پیامدهای منفی را به دنبال داشته باشد. در غیر این صورت موجب رشد و توسعه بیشتر و سریع‌تر را فراهم خواهد کرد. و ازاین جهت بهره‌برداری از منابع طبیعی از اهمیت فوق‌العاده‌ای در اقتصاد برخوردار خواهد بود. بهتر است که دیدگاه‌های دین مبین اسلام و رویکرد اندیشمندان غیر اسلام مورد بررسی قرار بگیرد.

یکی از مسائل اساسی اقتصاد، بهینه‌سازی است و بهینه‌سازی را چنین می‌توان تعریف کرد: آنچه افراد و بنگاه‌ها در اختیاردارند، می‌توانند به بهترین وجه استفاده کنند. که این رفتار را بهینه‌سازی می‌گویند. تمام رفتارهای بهینه‌سازی به دودسته تقسیم شده است، بهینه‌سازی مقید و بهینه‌سازی غیر مقید. در این دو نوع رفتار، افراد بنگاه‌ها بیشتر به دنبال حداکثر کردن سود و حداقل کردن هزینه‌ای مورد نیاز است (موریس - اون فیلیپس، ۱۳۸۴، ج. ۱، ص ۱۰۹).

الف) در اقتصاد متعارف

منابع طبیعی در نظام اقتصاد سرمایه‌داری مانند دیگر دارایی‌ها در مالکیت خصوصی افراد جامعه هست و محدودیتی نیز برای این مالکیت تعریف نشده است؛ دولت در موارد ضروری و به صورت استثنا برخی از منابع را مالک می‌شود. فیزیوکرات‌ها برای نظام مالکیت و مالک احترام فوق‌العاده‌ای قائل بوده و معتقد بودند که مقام مالک، بنیادی الهی است. کلاسیک‌ها (اسمیت، ریکاردو و ...) مالکیت را محترم شمرده و بر اساس آن بهره مالکانه را توصیه می‌کردند. در پایان قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، با تغییر سرمایه‌داری لیبرال به ارشادی، حقوق مالکیت دارای محدودیت‌های متعددی شد و در کنار مالکیت فردی، مالکیت جمعی و دولتی نیز رسمیت پیدا کرد؛ این تحولات به‌طور طبیعی در اداره ثروت‌های طبیعی نیز تغییراتی را به دنبال داشت (نمازی، ۱۳۷۴، ص ۸۰-۲۰۲). از حدود ۲۵۰ سال قبل تاکنون اندیشمندان و اقتصاددانان متعارف دیدگاه‌های متفاوتی در مورد اهمیت بهره‌برداری از منابع طبیعی و مسائل مربوط به آن از جمله کمپایی و محدودیت منابع طبیعی دارند:

۱. مالتوس

توماس رابرت مالتوس، اولین اقتصاددان بدبین است که درباره محدودیت منابع طبیعی نظر داده است و نظر خود را تحت (عنوان مقدمه‌ی بر اصول جمعیت و اثرات آن بر پیشرفت آینده جامعه) در ۱۷۹۷م منتشر کرده است. مالتوس زمین را مظهر منابع طبیعی در نظر گرفته و بر این باور است که زمین‌های قابل استفاده محدود و مشخص می‌باشد. ولی جمعیت که از این منابع محدود استفاده می‌کنند در حال تغییر و به صورت تصاعد هندسی افزایش می‌یابد، در حالیکه عرضه مواد غذایی به صورت تصاعد عددی رشد می‌کند. وی دلیل آن را قانون بازدهی نزولی می‌دانسته و به بر این باور است که اگر جمعیت رو به افزایش باشد و منابع طبیعی ثابت بماند وضعیت جامعه تحت تأثیرات کمیابی منابع طبیعی و دچار بحران جدی قرار خواهد گرفت و جوامع، آینده‌ای تاریک، مبهم و نامطمئن را پیش رو خواهد داشت (نمازی، ۱۳۸۶، ۵۲).

مالتوس یکی از اقتصاددانان بدبین است؛ زیرا به گمان خود در میان قوانین طبیعت و حتی در قوانین الهی، که می‌بایست، نظم را در جهان برقرار سازد، بدان شرط که انسان‌ها آن‌ها را دریابد و از آن‌ها پیروی کنند، قوانینی کشف کرده‌اند که به کلی معکوس و مخالف آن‌ها است. مانند قانون "بهره مالکانه زمین" که برای اقلیتی معدود، درآمدی تأمین می‌کند که به نسبت گرسنگی ملت‌ها زیاده‌تر می‌شود. البته صفت بدبینی بعداً درباره او و هم‌مسلكانش داده شد؛ چراکه آن‌ها عقاید و نظرات خود را باصفا و گشاده‌رویی حیرت‌آوری بیان می‌کنند و تصور ندارند که آرای آن‌ها برخلاف نظام موجود و یا خلاف خردمندی "آفریدگار بزرگ طبیعت" است. بدبینان وقتی غافل از بدبینی خود بودند، غالباً برای ترقی و پیشرفت بشر مفیدتر از خوش‌بینان بوده‌اند (شارل، ۱۳۷۰، ۱۸۰).

طبق این نظریه، ریشه کلیه مصیبت‌ها در عدم تناسب میان افزایش جمعیت و محدوده مواد غذایی است. قانون طبیعی رشد جمعیت، مشمول تصاعد هندسی است، در صورتی که قانون طبیعی افزایش مواد غذایی، تنها از تصاعد عددی پیروی می‌کند. بنابراین، علت فقر در تمایل مستمر مازاد جمعیت و کمبود منابع کافی برای تأمین نیاز است. این نظریه، آشکارا خلاف برداشت‌های عمومی تعادل کلاسیک است. اگرچه مالتوس می‌کوشد طبیعت را در ایجاد تعادل، سهمیم بداند و بلاهای طبیعی را مانند زلزله، سیل، بیماری‌های مسری و همچنین جنگ را ابزار محدودکننده و مکانیسم تعادلی معرفی کند، باین حال، عوامل مذکور را برای ایجاد تعادل کافی ندانسته، اقدامات لازم برای جلوگیری از رشد جمعیت را پیشنهاد می‌کند:

۱. منع یا فشار اخلاقی (عقب انداختن ازدواج‌ها)؛

۲. کنترل جمعیت از طریق برنامه تنظیم خانواده؛

۳. فقر و گرسنگی (تفضلی، ۱۳۷۲، ۱۱۸-۱۲۰).

۲. ریکاردو

دیوید ریکاردو، بر وضعیت تعادل پایدار متمرکز شده و بر این باور است، که: محدود بودن مقدار فیزیکی منابع، منجر به متوقف شدن رشد اقتصادی نمی‌شود، به دلیل این که انسان‌ها برای برآورده شدن نیازهای خود در ابتدا به سراغ زمین‌های حاصلخیز می‌روند که هزینه تولید اندک دارند، اما چون مقدار این زمین‌ها محدود است، با افزایش جمعیت و پیدایش نیازهای جدید مجبور می‌شوند که سراغ زمین‌های باکیفیت پایین‌تر بروند، هرچند هزینه‌های آن بیشتر از زمین‌های باکیفیت است. ریکاردو بر این باور است که کیفیت منابع طبیعی از مسائل مهم اقتصادی است.

۳. جونز

استتلی جونز، منگر و والراس، با ارائه "مطلوبیت نهایی"، از پایه‌گذاران مکتب مارژینالیسم (نهایون) محسوب می‌شوند (لوئی، ۱۳۵۶، ۳۴۰). جونز در قالب الگویی، تعادل بین شادی و لذت از یک‌سو و درد و رنج را از سوی دیگر، ترسیم می‌کند. وی نوعی منحنی مطلوبیت برای کالای مورد استفاده در نظر می‌گیرد؛ که روند نزولی دارد و بیان‌گر قانون نزولی بودن مطلوبیت نهایی است.

جونز معتقد بود که با انتقال درآمد از ثروتمند به فقیر، مطلوبیت کل افزایش می‌یابد. وی این نتیجه را با کمک فرض نزولی بودن مطلوبیت نهایی درآمد، نشان داد. بر همین مبنا، جونز معتقد است که منابع طبیعی نقش گسترده‌ای در رشد اقتصادی دارد، و این منابع چون محدود است پیشرفت مداوم اقتصادی امکان‌پذیر نخواهد بود (همان).

۴. پیگو

پیگو بیشتر به دلیل آثارش در زمینه اقتصاد رفاه شناخته می‌شود. او در آثار خود تلاش کرد تا چارچوبی علمی برای تحلیل تأثیر سیاست‌های اقتصادی بر رفاه جامعه ارائه دهد.

کتاب اصلی پیگو با عنوان «اقتصاد رفاه (The Economics of Welfare)» که در سال ۱۹۲۰ منتشر شد، یکی از مهم‌ترین آثار او به شمار می‌رود. این کتاب پایه‌گذار شاخه‌ای از اقتصاد است که به بررسی نحوه تخصیص منابع و تأثیر آن بر رفاه اجتماعی می‌پردازد. در این اثر، پیگو نشان می‌دهد که چگونه دولت‌ها می‌توانند از طریق سیاست‌های مالیاتی و یارانه‌ها، نابرابری‌ها را کاهش داده و کارایی اقتصادی را افزایش دهند. پیگو به اهمیت توزیع عادلانه درآمد در جامعه تأکید زیادی داشت. او معتقد بود که نابرابری‌های شدید درآمدی می‌تواند به کاهش رفاه کلی جامعه منجر شود. در همین راستا، او پیشنهاد کرد که دولت‌ها از طریق سیاست‌های مالیاتی تصاعدی و برنامه‌های حمایتی، عدالت اقتصادی را تقویت کنند.

یکی دیگر از حوزه‌هایی که پیگو تأثیر زیادی بر آن داشت، اقتصاد محیط‌زیست بود. او با معرفی مفهوم خارجی‌ها و مالیات پیگویی، پایه‌گذار بسیاری از رویکردهای مدرن در مدیریت منابع طبیعی و حفظ محیط‌زیست شد. در عصر حاضر، ایده‌های او در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با تغییرات اقلیمی و کاهش انتشار کربن به‌طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پیگو با تمرکز بر کاهش نابرابری‌ها و ارتقای عدالت اجتماعی، نشان داد که اقتصاد می‌تواند ابزاری برای بهبود زندگی انسان‌ها و حفاظت از منابع طبیعی باشد (پژویان، ۱۳۸۱، ۱۹-۲۰).

پیگو معتقد است انسان‌های که تصمیم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌کنند و دارائی‌هایشان را بین زمان حال و آینده توزیع می‌کنند. مقدار کمتری زمان حال را به مقدار بیشتر در آینده ترجیح می‌دهند، در حالیکه این عملکرد درست نیست چون به علت نداشتن زندگی طولانی منافع حاصل از پس‌انداز، به شخص پس‌انداز کننده نرسیده، این باعث کاهش پس‌انداز شده و منابع طبیعی به‌گونه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد که منافع نسل‌های آینده فدای نسل‌های فعلی می‌گردد در نتیجه در این صورت پیگو یک سری سیاست‌هایی را برای حفاظت از منابع طبیعی برای نسل‌های آینده مطرح کرده است که عبارت‌اند از:

الف) مالیات بر پس‌انداز باید حذف شود. به دلیل این‌که مقدار پس‌انداز در صورت عدم وجود مالیات، اندک است و با وجود آن کمتر نیز خواهد شد.

ب) دولت‌ها باید از بهره‌برداری سریع منابع تجدید ناپذیر جلوگیری نمایند.
ج) دولت باید برای سرمایه‌گذاری در منابعی مانند جنگل که دیر بازده هستند ایجاد انگیزه نماید.

۵. استوارت میل

میل در قسمت دوم کتاب "اصول اقتصاد سیاسی" توجه خود را به توزیع ثروت معطوف کرده و می‌گوید: قوانین و شرایط تولید ثروت از نظر طبیعی قوانین مطلق هستند که هیچ‌گونه ضابطه اختیاری در آن وجود ندارد؛ ولی در مورد توزیع ثروت، وضع به این منوال نیست؛ زیرا قوانین توزیع، با نهادهای اجتماعی سروکار دارد. انسان به‌طور فردی یا اجتماعی، می‌تواند هر طور که مایل باشد، قوانین توزیع ثروت را تغییر دهد. به عقیده میل عدالت حکم می‌کند که انسان از آغاز حیات به‌طور مساوی از مواهب طبیعت برخوردار باشد و هرکس با امکاناتی که خود، به دست می‌آورد، در صحنه رقابت زندگی، شخصیت خود را پرورش دهد (کری، ۱۳۷۹، ۱۰۵).

۶. تیسدل

تیسدل و روی (۱۹۷۱) چهار روش را برای بهره‌برداری بیان کرده است: خصوصی، دولتی، اشتراک (استفاده‌کنندگان یک گروه مشخص هستند) و همگانی (دسترس آزاد) و یادآور شده‌اند که این چهار روش منحصر نمی‌باشد بلکه ممکن است، در برخی از موارد با یکدیگر تلاقی داشته باشند و یا ترکیب از آن اتفاق افتاده باشد (فراهانی فرد، ۱۳۸۹، ۹۲ به نقل از: Davis, p. 228).

۷. ترنر و دیگران

این‌ها همانند تیسدل چهار شیوه را برای بهره‌برداری از منابع طبیعی بیان کرده است که عبارتند از:

الف. بهره‌برداری خصوصی

در این نظام مدیریت منابع در دست بنگاه و افرادی خاص و یا به کسی دیگری واگذار شده است، در این شیوه افراد حق بهره‌برداری را دارا می‌باشند. که در این مورد دیدگاه‌های متفاوت نیز ذکر شده است که از این قرار است.

ترنر، پیرس و باتمن (۱۳۷۴) معتقدند از آنجای که افزایش تولید توسط یک بنگاه منجر به بالا رفتن هزینه‌های آن بنگاه شده و موسسه تا زمانی به تولید خود ادامه می‌دهد که میزان هزینه‌های نهایی با درآمد حاصل از فروش هر واحد کالا (درآمد نهایی) برابر شود، بنابراین به همین علت موسسه مزبور بسیار دقت خواهد کرد، منابعی را که مجبور به پرداخت هزینه آن‌ها است هدر ندهد. بدین ترتیب بازارهای آزاد محرک‌های قوی در اختیار موسسه قرار می‌دهند تا جایی که زیاده‌روی استفاده از منابعی که مجبورند هزینه‌اش راپردازند، به حفظ و نگهداری آن‌ها همت گمارند (ترنر و دیگران، ۱۳۷۴).

پیرس درباره ثابت نگه‌داشتن منابع طبیعی مخالف و بر این باور است که استفاده بیشتر از منابع قابل مصرف، معقولانه است، ثابت نگه‌داشتن ارزش اقتصادی موجودی و ثابت نگه‌داشتن قیمت واقعی منابع طبیعی را رد می‌کنند (پان گلدین وال، ۱۳۷۹، ۹۸).

آلچاین می‌گوید: زمانی که یک بنگاه هیچ مدعی نسبت به منافع خود نداشته باشد، به صورت ناکارا عمل خواهد کرد. از طریق مارتین و پاراکر گفته اند: درعین حال بنگاه‌هایی با ملکیت دولتی ممکن است سودآوری بیشتری داشته باشند، اما آن‌ها موضوعات دیگری را نیز دنبال می‌کنند، که به کارایی صدمه می‌زند علاوه به علت اینکه هیچ فرد یا گروه خاصی از منافع بنگاه‌های دولتی به صورت شفاف استفاده نمی‌کند، هیچ کسی انگیزه‌ای برای نظارت و پاسخگویی از تصمیمات مدیران را ندارد (همان، ۹۴).

تئوریسین‌های انتخاب عمومی مانند نیسکنن نیز گفته‌اند، که سیاستمداران و مدیران دولت ممکن است اهداف و منافع خود را جایگزین کارایی و سودآوری نمایند، به همین دلیل تئوریسین معتقدند که مالکیت خصوصی نسبت به مالکیت دولتی برتری دارد. درعین حال یاور وشرلی گفته‌اند یک مدل واحد از مالکیت نمی‌تواند برای تمام فعالیت‌ها در تمامی کشورها مناسب باشد (همان، ۹۴).

ب. بهره‌برداری دولتی

در این روش که مبتنی بر مالکیت دولتی یا عمومی است، استفاده‌کنندگان موظف به رعایت قوانین بهره‌برداری از منابع می‌باشد، و سازمان حق تعیین قوانین بهره‌برداری را دارا می‌باشد، و در بخش عمومی همانند بخش خصوصی دچار اشتباهات و غیرکارا عمل خواهد کرد.

ترنر، پیرس و باتمن در این باره گفته‌اند: اگرچه دلایل خوبی برای دخالت دولت‌ها وجود دارد، اما باکمال تأسف اغلب اوقات نقش آن‌ها در مدیریت منابع طبیعی بهتر از بازارهای آزاد نیست. دلایل متعددی برای این امر وجود دارند، که برخی از آن‌ها به شرح زیرند.

اولاً: ما به عنوان شهروندان جامعه، این تصور راداریم که وظایف و اهداف دولت بیشتر در جهت تأمین منافع اجتماعی است، تا افراد. اما تصور ما از دولت‌های مهربان ممکن است غلط از آب درآید. از جهاتی دولت‌ها ممکن است به صورت مستبدانه و فقط در جهت تأمین منافع برخی از اقشار جامعه عمل کنند. حتی در کشورهای دموکراتیک، به جای خدمت برای تمامی افراد جامعه عاملی برای برآوردن خواسته‌های گروه‌های خاصی باشند. این بدان معنی است که عملکرد دولت‌ها احتمالاً در جهت حفاظت از محیط‌زیست نخواهد بود، زیرا وضع قوانین زیست‌محیطی هزینه‌های را در بخش صنعت و کشاورزی و همچنین شهروندان عادی دارد. وغالباً از جانب افراد ذی‌نفع مورد مخالفت قرار می‌گیرد.

ثانیاً: دولت‌ها ممکن است قادر نباشند تا تمام اطلاعات لازم را جهت ردیابی تمام پیامدهای یک فعالیت را به دست آورند. حتی جایی که دولت کاملاً مصمم باشد ممکن است آنچه رخ می‌دهد آن چیزی نباشد که مدنظر باشد، زیرا فرایندی که منجر به کسب اطلاعات می‌شود بسیار پیچیده است.

ثالثاً: سیاست‌گذاران دولت ممکن است تصمیمات خوبی را اتخاذ نموده و چارچوب مناسبی را برای قوانین محیط‌زیست تدارک ببینند. اما قوانین مزبور باید به اجرا درآیند، این امر مستلزم استفاده از دانش کارشناسانی است که بخشی از نظام بوروکراسی دولتی هست. از آنجایی که در بسیاری از موارد بوروکراتها مسئولین منتخب مردم نبوده و برخلاف سایر کارمندان و نتیجه زحمات خویش راضی نمی‌باشند بنابراین انگیزه‌ای برای

انجام وظیفه و خدمت به جامعه در خود احساس نمی‌کنند، مگر آنکه تحت کنترل دقیق مقامات ذی‌ربط قرار گیرند و این کار بسیار دشواری است (ترنر و دیگران، ۱۳۷۴).

ج. بهره‌برداری گروهی

این روش شاخه‌ای از بهره‌برداری خصوصی است، مالکین مشترکی دارند. و مدیریت را به‌صورت گروهی اعمال نموده و نسبت به نحوه بهره‌برداری از منابع دارای حقوق و امتیازات می‌باشند.

اسرام (۱۹۹۹) معتقد است در این روش ضمن حفظ اصل ذخیره منبع، جریان درآمدی آن بین سهام‌داران تقسیم می‌شود. از طرف دیگر منتقدان این دیدگاه عواملی چون رشد جمعیت و پیشرفت فناوری را مانع موفقیت این روش می‌دانند که در این بخش به آن پرداخته می‌شود:

الف. رشد جمعیت: این موضوع فشارهای زیادی را بر سیستم‌های گروهی اعمال می‌کند، زیرا اراضی موجود باید بین افرادی که جمعیتشان رو به افزایش است تقسیم گردد، و بروز چنین اتفاقی برای سایر منابع نیز صادق است. با رشد جمعیت نیاز بیشتر به منابع انرژی خواهد شد و منجر به افزایش انتشار آلاینده‌هایی از قبیل دی‌اکسید کربن می‌شود. که این امر ظرفیت اتمسفر را برای جذب این آلاینده‌ها به اتمام می‌رساند.

ب. فناوری: این موضوع نیز می‌تواند منجر به برداشت بی‌رویه از منابع گردد. مانند آنچه در رابطه با ورود فناوری اره‌های زنجیری به جنگل‌های آمازون و استفاده از تفنگ پیشرفته برای شکار غیرقانونی فیل و در کشورهای آفریقایی اتفاق افتاد، اما این وضع دوام چندانی ندارد (ترنر و دیگران، ۱۳۷۴).

د. دسترسی آزاد

این نوع بهره‌برداری تحت هیچ مالکیت فرد و سازمانی قرار نمی‌گیرد، یا به عبارت دیگر در این سیستم هیچ مصرف‌کننده یا مالک معینی وجود ندارد، لذا تحت شرایط کاملاً رقابتی از سوی بهره‌برداران و فقط با انگیزه نفع شخصی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، و افراد دارای امتیاز خاصی بوده است (راجر، ۱۳۸۲، ۳۲۹). اما می‌توان گفت که در این نوع بهره‌برداری استخراج بی‌رویه وجود دارد، ولی می‌توان با تعادل ایستای یکنواخت این بی‌رویه بودن را از بین برد.

ب) در اقتصاد اسلامی

نظام اقتصادی اسلام با بهره‌مندی از وحی از همان ابتدا با به رسمیت شناختن حقوق مالکیت افراد در کنار مالکیت دولتی و مالکیت عمومی، ضمن تقویت حاکمیت دولت در اجرای سیاست‌های پایدار در بهره‌برداری از منابع، امکان بهره‌مندی افراد را نیز از ثروت‌های طبیعی فراهم کرده است. در این نظام، منابع طبیعی به انواع مختلفی تقسیم شده که هر یک از حقوق مالکیت خاص تبعیت می‌کند. بخش عمده‌ای از منابع طبیعی مانند معادن، زمین‌های موات و آباد طبیعی در مالکیت دولت اسلامی است. درباره چگونگی بهره‌برداری بخش خصوصی از این منابع، برخی از فقیهان معتقدند که احیای آن‌ها به معنای آباد کردن و ایجاد زمینه‌های بهره‌وری موجب ملکیت آن‌ها برای استفاده‌کننده می‌شود و برخی دیگر تنها حق استفاده را برای بخش خصوصی جایز دانسته و مالکیت آن‌ها را همواره برای دولت محفوظ می‌دانند (بحرالعلوم، ۱۴۰۳ق، ص ۳۴۷).

شهید صدر با عنایت به توجه نظام‌مند خویش به کل فقه و اعتقاد به حکومت اسلامی، موضع خاصی درباره

مالکیت این منابع، توزیع آن‌ها و چگونگی استفاده بخش خصوصی از آن‌ها دارد. این موضع دارای آثار خاص حقوقی و اقتصادی بوده، به صورت مشخص، آثاری در حوزه بهره‌برداری از منابع طبیعی، محیط‌زیست، عدالت بین نسلی و ... خواهد داشت.

در منابع روایی و کتاب‌های فقهی از ثروت‌های طبیعی تحت عناوین گوناگون چون انفال، مباحات عامه، مشترکات و ... یاد شده است، که در برخی از مصادیق آن فقیهان اختلاف نظر دارند.

انواع مالکیت

مالکیت یکی از اموال اساسی نظام‌های اقتصادی مختلف را تشکیل می‌دهد. که در متون اقتصادی بیش از سایر موضوعات پرداخته شده است.

انسان‌ها، جانشین خداوند در روی زمین هستند، همان‌طوری که در سوره حدید فرموده است. (آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ) به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شمارا نماینده (خود) در آن قرار داده انفاق کنید (زیرا) کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند اجر بزرگی دارند (حدید: ۷).

طبق آیات انسان‌ها جانشین خداوند تبارک و تعالی است، که اعطای مالکیت اموال و کالاهای از جانب خداوند به انسان نوعی امانت است، در حقیقت مالکیت نهایی از دیدگاه اسلام پروردگار متعال است، همان‌طور که در قرآن آمده است. (وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) و حکومت آسمان‌ها و زمین از آن خدا است و خدا بر همه چیز توانا است (آل عمران: ۱۸۹).

اما آنچه اکثر اندیشمندان مسلمان اتفاق نظر دارند این است که کلیه اموال و دارایی‌ها بر طبق موازین و قوانین الهی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، که اصل مالکیت مخلوق خداوند است، و انسان به‌طور جانشینی از خداوند مالک زمین است، همان‌طوری که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: (وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ) و او کسی است که شمارا جانشینان (و نمایندگان خود) در زمین قرارداد، و بعضی را بر بعض دیگر، درجاتی برتری داد تا شمارا به آنچه در اختیارتان قرار داده بیازماید مسلماً پروردگار تو سریع الحساب، و آمرزنده مهربان است (انعام: ۱۶۵).

بنابراین انسان‌ها موظف‌اند که اموال خود را طبق قواعدی که خداوند تعیین نموده مورد استفاده قرار دهد (نور احمدی، ۱۶۳). زمین از آن خداست، و ما امانت‌دار خداوند هستیم و این امانت را به نفع عموم به کار ببریم، ولی این دلیل نمی‌شود که مالکیت خصوصی را قبول نداشته باشیم. بنابراین مالکیت خصوصی پذیرفته شده است، اما نه به عنوان یک حق مطلق همان‌طوری که در کتاب اقتصاد دینی آمده است، مالکیت خصوصی را چنین بیان کرده است. (مالکیت خصوصی به هیچ شخص یک حق بدون قید و شرط و تمام‌عیار عطا نمی‌کند)

قرآن کریم درباره چگونگی هزینه کردن اموال استفاده بهینه از آن‌ها تذکرات زیادی داده است، از جمله: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از آنچه به شما روزی داده‌ایم، انفاق کنید! پیش از آنکه روزی فرارسد که در آن، نه

خرید و فروش است (تا بتوانید سعادت و نجات از کیفر را برای خود خریداری کنید)، و نه دوستی (و رفاقت‌های مادی سودی دارد)، و نه شفاعت، (زیرا شما شایسته شفاعت نخواهید بود) و کافران، خود ستمگرند، (هم به خودشان ستم می‌کنند، هم به دیگران) (بقره: ۲۵۴).

در کل بهره‌برداری و یا روش‌های بهره‌برداری از منابع طبیعی در اسلام از جایگاه خاصی برخوردار است، و طبیعت یا منابع طبیعی همان موهبت الهی است و انسان‌ها جانشین خداوند است، که از این منابع برای تولید کالاها و خدمات استفاده می‌کنند. راه‌های ممکن برای استفاده از این منابع در نظام اقتصادی اسلامی با توجه به اینکه این منابع در مالکیت دولت، یا تحت سرپرستی دولت اسلامی است همه انسان‌ها به‌طور برابر این امکان را دارند که با کار و تلاش خویش از ثروت‌های طبیعی بهره‌برداری کنند، در اینجا چند روش وجود دارد که دولت مستقل از آن و یا از توانایی‌های بخش خصوصی استفاده می‌کند.

۱. تصدی مستقیم توسط دولت

در این نوع مالکیت کسی که بهره‌برداری می‌کند، یا اینکه مدیر آن منبع است، هیچ‌کدام مالک منبع محسوب نمی‌شود، بلکه عموم مردم و دولت مالک آن است (امیرنژاد، ۱۳۸۶، ۹). دولت می‌تواند به‌طور مستقیم با تشخیص اولویت‌های مکانی و زمانی و با رعایت مصالح نظام اسلامی از منابع طبیعی بهره‌برداری کند، و این روش بیشتر در استخراج معادن بزرگ مثل نفت، طلا، نقره، و... کاربرد دارد. و حضور مستقیم دولت برای ایجاد اشتغال و برقراری عدالت در جامعه شهرتی زیادی دارد (فراهانی فرد، ۱۳۸۹، ۱۰۸)، و برای این‌که دولت به‌گونه‌ای کارا عمل نماید، باید نحوه بهره‌برداری از منابع را تحت کنترل خود درآورد، قوانین معقول و قابل‌پذیرش را برای بهره‌برداری افراد و گروه‌ها وضع کند و آن‌ها را به اجرا درآورد (آر. ترنر - دی، ۱۳۷۴، ۲۹۶). این نوع مالکیت شامل معادن باطنی، زمین‌ها، موات، غنائم جنگی، مالیات‌ها و درآمدهای ناشی از اموال دولتی است. در قرآن کریم این نوع مالکیت را جزء انفال دانسته است، که انفال متعلق به خداوند و رسول و فقهای بزرگی مانند کلینی، قمی، شیخ مفید، و قاضی معادن باطنی را جزء انفال دانسته و انفال را در مالکیت دولت یا امام می‌دانند. ولی امام شافعی و بسیاری از علمای حنبلی معادن باطنی را جزء مشترکات عمومی می‌دانند.

مالکیت دولتی و عمومی هرچند از لحاظ محتوایی اجتماعی مانند یکدیگر هستند، اما دولت ثروت‌های عمومی را مستقیماً بهره‌برداری و یا امتیاز بهره‌برداری را به کسی دیگری واگذار می‌کند. ولی از لحاظ حقوقی میان این دو نوع مالکیت تفاوت وجود دارد. در مالکیت عمومی باید به‌وسیله دولت یا ولی امر به مصارف عمومی مردم می‌رسند. و در مالکیت دولتی ثروت‌های به دست آمد علاوه بر مصارف عموم کمک برای گروهی عمومی و فراهم کردن اشتغال برای بیکاران نیز قابل مصرف است (نمازی، ۱۳۸۶، ۳۴۰-۳۴۶).

۲. استفاده از مشارکت مردم

در این نوع مالکیت افراد یا گروه خاصی مالک منبع بوده، و در بهره‌برداری از این منبع شریک می‌باشند، و افراد دیگری که خارج از این گروه باشند حق بهره‌برداری را ندارند (امیرنژاد، ۱۳۸۶، ۹). همچنین دولت در این نوع مالکیت نقش داشته است، و برای این‌که بتواند هزینه‌های خود را کاهش دهد، درعین حال می‌خواهد نظارت

قوی بر عملکردهای خود داشته باشد، و به‌طور مستقیم وارد نمی‌شود، بلکه از سرمایه نیروی کار انسانی استفاده می‌کند. این روش در حقیقت از زمان پیامبر اکرم (ص) گرفته شده است، پیامبر اکرم (ص) بخشی از زمین‌های خبیر را که به دولت اسلامی منتقل شده بود در اختیار ساکنان همان محل قرارداد، و با محصول آنان شریک شد (فراهانی فرد، ۱۳۸۹، ۱۱۰) و این مشارکت از راه‌های مختلفی امکان‌پذیر است از جمله:

عقد مشارکت یکی از عقود معتبر در بین فقیهان مسلمان است، که مورد استفاده قرار می‌گیرد. این عقد را می‌توان چنین تعریف کرد: عقد مشارکت عبارت‌اند: از جمع شدن دو یا چند مالک در چند مال برای هدف معین که هرکدام به اندازه‌ای سهم خود در نفع و ضرر آن شریک هستند (همان، ۱۱۰) و دولت می‌تواند از طریق انعقاد قرارداد مشارکت با بخش خصوصی، در طرح‌های گوناگون مانند کشاورزی و احیای زمین‌های موات و... به سرمایه‌گذاری اقدام کند (فراهانی فرد، ۱۳۸۱، ۱۸۶). اما سود دولت طوری باید باشد که اگر رغبت بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در آن‌ها بیشتر باشد دولت نیز سود بیشتری را بگیرد، و اگر رغبت کمتر باشد دولت سود کمتری را باید دریافت کند، اما ناگفته نماند این طرح هرچند سود کمتری داشته باشد باز هم به نفع دولت خواهد بود، چون موجب رشد و توسعه کشور و اشتغال خواهد شد. مناسب است که دولت برای تشویق شدن بخش خصوصی سود کمتری دریافت کند، و گاه‌گاهی هم که شده برای آن‌ها مبلغی را به‌عنوان تشویقی نیز پرداخت کند (فراهانی فرد، ۱۳۸۹، ۱۱۱).

عقد مزارعه و مساقات، یکی دیگر از راه‌های مشارکت دولت با بخش خصوصی است، طبق عقد مزارعه و مساقات زمین‌های که در اختیار کشاورزان و باغداران قرار گرفته است، سودی را که به دست آورده بین طرفین تقسیم می‌شود (فراهانی فرد، ۱۳۸۱، ۱۸۸).

مزارعه و مساقات همچنین مضاربه در حقیقت یک نوع عقدی است که بین کار و سرمایه در یک فعالیت اقتصادی به‌منظور کسب سود به کار گرفته می‌شود. و این سه تا عقد با همدیگر فرق دارند، عقد مضاربه قراردادهای تجاری ولی در مزارعه و مساقات فعالیت و قراردادهای کشاورزی و باغداری مورد توجه است. بنابراین می‌توان چنین تعریف کرد. عقد مزارعه قرارداد بین مالک زمین و کشاورزی است و محصولات به‌دست‌آمده را طرفین طبق قرارداد که دارند بین خود تقسیم خواهند کرد، اگر کشاورزی نقش در حاصل شدن زمین نداشته باشد فقط در حد فراهم کردن آب یاری، بذر و کود باشد و کشت اصلی را صاحب‌ملک انجام داده باشد این عقد مزارعه نخواهد بود (فراهانی فرد، ۱۳۸۹، ۱۰۸).

مساقات نیز قراردادی است، که بین مالک و باغبان به‌منظور رسیدگی و پرورش درختان توسط باغبان صورت می‌گیرد، و آنچه باغبان به دست می‌آورد بین طرفین تقسیم می‌شود، این قرارداد همانند قرارداد مشارکت در زمان پیامبر اکرم است، چنین قراردادی بین پیامبر اکرم و یهودیان در مورد سرزمین خبیر منعقد گردیده است. در این دو نوع عقد لازم نیست که زارع حتماً مالک زمین باشد بلکه فقط داشتن حق انتفاعی کافی است در زمین‌های که دارای مالکیت عمومی و همچنین کسانی که با تبحر و یا احیا نسبت به زمین‌ها حق اختصاص پیدا کرده‌اند، عقد صورت خواهد گرفت (همان، ۱۱۰).

از دیدگاه شهید صدر این‌ها در حقیقت جزء مباحات عامه است، که در حد احتیاج جایز است که

بهره‌برداری کند و بهره‌برداری کردن آن از طریق اجیر کردن دیگران جایز نیست.

۳. واگذاری به بخش خصوصی

مالکیت انفرادی یا خصوصی، مالکیتی است که معمولاً مدیر بهره‌برداری یک شخص حقیقی یا حقوقی هست، و مالک منبع محسوب می‌شود (امیرزاد، ۱۳۸۶، ۹) و اصول اولیه اسلام از سیاست‌های اقتصادی این است، که با استفاده از منابع طبیعی این فعالیت‌ها توسط خود مردم صورت گیرد و دولت درجایی وارد عمل می‌شود که بخش خصوصی انگیزه قوی برای ورود به آن بخش را ندارد یا سپردن آن به بخش خصوصی ضعیف و یا منافع دولت در خطر باشد، همچنین در شرایط خاص زمانی چون جنگ دولت خودش فعالیت را به عهده می‌گیرد، درواقع این فعالیت دولت مکمل کننده فعالیت بخش خصوصی است، نه جانشین آن و این واگذاری به دو شکل کلی ممکن است صورت پذیرد: واگذاری ملکیت و واگذاری منافع.

بر اساس مبنای مشهور فقیهان نسبت به انتقال ملکیت به بهره‌برداری در صورتی است، که دولت صلاح انتقال به بخش خصوصی را ببیند و انتقال کردن آن از راه‌های زیر امکان‌پذیر است: از طریق فروش، اجاره به شرط تملیک، عقد جعاله، هبه و احیاء.

حکومت اسلامی با رعایت مصالح نظام و رعایت قوانین دین مبین اسلام برخی از منابع طبیعی را چون زمین‌های موات و یا زمین‌ها آباد و برخی دیگر از ائفال را با رعایت مصالح نظام، از طریق مزایده به فروش برساند، همچنین برای تقویت تعاونی‌ها و گروه خاص از جامعه از طریق وام و یا اقساط به فروش می‌رساند. دولت با استفاده از عقد اجاره به شرط تملیک، برخی از منافع دولت را به بخش خصوصی واگذار کند و شرط نماید که هرگاه به مفاد قرارداد عمل شد، و در پایان مدت زمانی قرارداد دولت آن را به طرف قرارداد تملیک کند.

احیا یکی دیگر از مکانیسمی است که از طرف دولت به بخش خصوصی پیش‌بینی شده، تا همه‌ی افراد از این منابع طبیعی بهره‌برداری کنند، و نیازهای خود را برآورده سازند و هم موجبات رشد و توسعه جامعه را فراهم آورند و دولت بر بهره‌برداری آن نظارت کند، در صورتی که بهره‌برداری بی‌رویه صورت بگیرد دولت وارد عمل شده و از این بی‌رویه جلوگیری خواهد کرد (فراهانی فرد، ۱۳۸۹، ۱۰۵-۱۱۵).

گروه دیگر از فقیهان انتقال این منابع را به بخش خصوصی خوب ندانسته‌اند، معتقدند که بخش خصوصی فقط حق بهره‌برداری در زمان محدود را دارد و دولت هم به یک عده و یک نسل خاصی واگذار نمی‌کند، بلکه منافع آن را در مدت محدودی به بخش خصوصی از طریق عقود چون اجاره، اقطاع، حیات و... واگذار کند. واگذاری زمین یا منافع حاصل از آن یا محل کسب برای زمانی محدود یا نامحدود به کسی از سوی حاکم را اقطاع می‌گویند (میانجی، ۱۳۸۲، ۲۸۲). امام و یا دولت اسلامی در صورتی که مصلحت بدانند می‌تواند افراد یا گروهی را برای بهره‌برداری از معادن یا زمین را باهدف مشخص واگذار کند، و این کار در موارد متعددی از جانب پیامبر اکرم (ص) صورت گرفته است، مانند: اقطاع مفید ملک نیست بلکه تنها حق اختصاصی ایجاد می‌کند.

امام به شخصی اجاره دهد تا یکی از معادن طبیعی را مورد بهره‌برداری قرار دهد. کار کردن در این گونه منابع سبب تملک یا اکتساب حق خاص خواهد بود (تسخیری، ۱۳۹۰، ۲۳۲).

حیازت، یکی از راه‌های استفاده از برخی منابع طبیعی، مانند مراتع و شیلات است، که در اصطلاح فقهی

به معنای جمع‌آوری و تسلط بر منابع طبیعی منقول یا قصد است، تملیک و استفاده از آن یکی از قاعده‌های فقهی است، که از سیره بنای عقلایی اخذ شده، که شارع مقدس آن را امضاء و تأیید کرده است. زیرا روشن است که در ابتدای خلقت انسان‌ها در روی زمین مالکیت وجود نداشته، بلکه ثروت‌های را که خداوند برای بندگان ارزانی نموده است. مالکیت خود قرار داده اند و چنین مالکیت مورد تأیید سیره عقلا بوده و پیامبر آن را امضاء کرده است (همان، ۱۱۷). از جمله حدیث نبوی (من سبق الی مالم یسبق الیه احد ملکه) کسی که پیشی بگیرد به چیزی که کسی بر او سبقت نگرفته باشد، مالک آن می‌شود (هادوی تهرانی، ۱۳۸۳، ۱۲۵).

۴. مالکیت باز

یکی دیگر از انواع مالکیت، مالکیت باز است، که در این نوع مالکیت همه افراد با شرایط خاصی حق بهره‌برداری از منبع را دارند. و می‌توان گفت این نوع مالکیت برای کسانی است که مجوز بهره‌برداری را داشته باشند. و به عنوان مثال چنین می‌توان بیان کرد که چنین مالکیتی در ذخایر آبزیان و یا شکار اجازه یا حق بهره‌برداری با اخذ پروانه و یا مجوز به شخصی اعطا می‌شود، مشاهده کرد (امیرنژاد، ۱۳۸۶، ۹).

نتیجه‌گیری

بهره‌برداری از منابع طبیعی اهمیتی خاصی در توسعه کشورها دارند، از حساسیت‌های خاصی برخوردارند، و نسبت به چگونگی بهره‌برداری از منابع تقریباً اتفاق نظر دارند، همه اندیشمندان دنبال راه‌هایی هستند، که ضمن حفظ این منابع سوددهی آن‌ها را هنگام بهره‌برداری بیشتر کرده و از پیامدهای منفی آن بکاهند. هر چند هر کدام برای بهبود وضعیت منابع طبیعی تأکید کرده‌اند. ولی از جهت نظری نسبت به مالکیت دیدگاه‌های متفاوت دارند.

تمام محققان اقتصاد اسلامی به راین نکته تأکید دارند، که مالکی حقیقی خداوند است و بشر توسط خدا انتخاب شده تا جانشین و نماینده او بر روی زمین باشد. بنابراین انسان در حقیقت امانت‌داری است، که درازای آن بر اساس قوانین که وضوح در شریعت بیان شده نیز بر اساس جهان‌بینی اقتصادی اسلامی است، در برابر خداوند مشغول است انسان درباره مدیریت تمامی منابع طبیعی و سایر مخلوقات خداوند مسئول و پاسخگو هست.

فهرست منابع

۱. امیرنژاد، حمید، *اقتصاد منابع طبیعی*، انتشارات جاودانه جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۲. آرتنر، دی. پیرس-ای. باتمن، *اقتصاد محیط زیست*، ترجمه سیاوش دهقانپان، علیرضا کوچکی، علی کلاهی اهری، دانشگاه فردوس مشهد، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.
۳. بدن، لوئی، تاریخ عقاید اقتصادی، هوشنگ نهاوندی، تهران، مروارید، ۱۳۵۶.
۴. پژویان، جمشید، اقتصاد بخش عمومی (هزینه‌های دولت)، تهران، جنگل، ۱۳۸۱.
۵. ترنر، آر.ک. و باتمن، دی و پیرس، ای. ۱۳۷۴، *اقتصاد محیط زیست*، سیاوش دهقانپان و عوض کوچکی و علی کلاهی اهری، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۶. تسخیری، محمدعلی، *اقتصاد اسلامی*، ناشر: تهران مجتمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۹۰.
۷. دیزجی، محمود، *اقتصاد منابع طبیعی*، ناشر: شرکت چاپ و نشر بازگانی، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۸. راجر پرم، یوما، جیمز مک گیل ری، *اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی*، ترجمه حمیدرضا ارباب، نشر نی، تهران، ۱۳۸۲.
۹. شارل، ژید، تاریخ عقاید اقتصادی، کریم سنجابی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۱۰. فراهانی فرد، سعید، *اقتصاد منابع طبیعی از منظر اسلام*، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۱. فراهانی فرد، سعید، سیاست‌های اقتصادی در اسلام، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱، ۱۳۸۱.
۱۲. کری، جان، فلسفه سیاسی، خشایار دیهمی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹، چاپ اول.
۱۳. موریس، چارلز، اون فیلیس، *نظریه و کاربردی اقتصاد خرد*، ترجمه دکتر اکبر کمیجانی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۱۴. میانجی، میرزاعلی احمدی، *مالکیت خصوصی در اسلام*، تهران، دادگستر، ۱۳۸۲.
۱۵. نمازی، حسین؛ *نظام‌های اقتصادی*، شرکت سهامی خاص، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.
۱۶. نور احمدی، محمدجواد، اقتصاد دینی از منظر اندیشمندان مسلمان و مسیحی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ص)، تهران، چ ۱، ۱۳۸۹.
۱۷. هادوی تهرانی، مهدی، *مکتب و نظام اقتصادی اسلام*، موسسه فرهنگی خانه خرد، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
۱۸. یان گلدین وال. آلن وینترز، *اقتصاد توسعه پایدار*، مترجمان، دکتر غلامرضا آزاد(ارمکی) و دکتر عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، شرکت چاپ و نشر بازگانی وابسته به موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازگانی، چ ۱، ۱۳۷۹.